تبیین مدل ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه بر اساس نظریه زمینه‌ای

علی ایمان زاده[۱] *، مهلا فرهادی [۲]

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۳۰ صص۶۸-۳۵ تاریخ پذیرش:۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

مطالعه‌ی حاضر در پی ارائه مدلی جهت ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه است. به جهت عدم کفایت مبانی ارائه شده توسط نظریه‌های مختلف در کشورهای دیگر از جمله جنبش فمینیسم در کشورهای غربی و تجویز آن به کشورهای دیگر و مشکلات عدیده‌ای که این مکتب در جوامع مختلف حتی جوامع غربی ایجاد کرد واز طرفی به دلیل ارائه نشدن مدلی برای برقراری عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی، محققین با به دست آوردن داده‌های متناسب با زمینه‌ی مورد مطالعه،از روش کیفی نظریه مبتنی بر زمینه استفاده نمودند. داده‌ها،از طریق مطالعه‌ی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه گردآوری شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، با طبقه‌بندی مفاهیم، مقوله‌های فرعی و محوری و یافتن مقوله‌ی هسته‌ای، با استفاده از سه نوع کدگذاری: باز، محوری و انتخابی، مقوله‌های شکل دهنده‌ی عدالت جنسیتی و روابط آن‌ها در قالب مدل پارادایمی ظهور یافت که شامل شرایط علّی (۳ مقوله)، مقوله‌ی محوری (عدالت جنسیتی)، راهبرد (۸مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۳مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱مقوله) و پیامدها (۲مقوله) می‌شوند.

واژگان کلیدی: عدالت، جنسیت، عدالت جنسیتی، فمینیسم، نهج‌البلاغه، نظریه زمینه‌ای.

[۱] استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز،ایران

[۲] کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه ملایر، ملایر،ایران

*- نویسنده مسئول: aliimanzadeh@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی و توسعه‌ی کارخانه‌ها، صاحبان سرمایه با کمبود نیروی انسانی مواجه شدند و طی محاسبات انجام شده، نیروی زن را برای تأمین کمبودها، بسیار عظیم یافتند. دیری نپایید که کار خسته کننده و طاقت فرسا در کارخانه‌های عظیم صنعتی و استفاده‌ی نامشروع و آمیزش ناروای مردان، زن را از هر نوع دلخوشی و سلامت اخلاقی و عاطفی محروم نمود. زن این موجود شریف، در جوّ آلوده به انواع فساد، خود را بی‌دفاع می‌دید و احساس می‌کرد همه چیز را از دست داده، انواع ستم‌ها را بر او روا می‌دارند، اما او نباید اعتراض کند؛ هم باید دوشادوش مردان و بلکه بیشتر از آن‌ها کار کند و مزد ناچیزی بگیرد و اصولاً در انتظار عدالت جنسیتی نباشد (Saffronchi,2005. p44). حرکت فمینیسم در جهت مبارزه با این نابرابری از کسب حق انتخاب و آزادی برای زنان آغاز شد؛ اما امروزه دیگر نمی‌توان آن را در این چهارچوب منحصر کرد. فمینیسم به عنوان یک جنبش فکری و فلسفی بانفوذ، در حالت کلی به سه دوره تاریخی: فمینیسم عملگرا، فمینیسم رادیکال و فمینیسم پست مدرن تقسیم بندی می‌شود (Imanzadeh & Salahshouri, 2011.p59). در حال حاضر فیمینیسم، "به ویژه نوع رادیکال آن" مدعی یک خود شناسی پویا است که اساسی‌ترین پرسش انسانی را مطرح می‌کند که «من که هستم؟ و زن بودن چه مفهومی دارد؟». به تعبیر فمینیسم‌ها چند هزار سال طول کشیده تا مرد «من» خود و براساس آن همه چیز را تعریف کند، اما برای زنان، این حرکت هزار ساله، در یک قرن خلاصه شد. به همین دلیل تعجب آور نیست که اوج‌گیری و انتشار فمینیسم بیشتر به انفجار می ماند (Mackenzie, 1993.p 141). فمینیسم و رواج آن، نشانه‌ی بحران از تفکر معاصر غربی محصول رنسانس است که در ستیز با واقعیات طبیعی و داده‌های علمی "روانشناختی، زیست‌شناختی و... " قرار دارد. فمینیسم تمامی شاخه‌ها و جلوه‌هایش، هدف و نتیجه‌ای جز ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین دو جنس و تشدید بحران عدم تفاهم انسان ندارد. در این بین، فمینیسم‌های رادیکال با نادیده گرفتن نقش‌ها و کارکردهای ویژه زنان و مردان سعی در ایجاد یک همانند سازی مصنوعی و بعضاً انقیاد مردان توسط زنان دارند (Shlity, 2005.p 76).

رویکرد همانندسازی و برابری در حوزه‌ی جنسیت و پایبندی به لوازم سیاسی و اجتماعی آن، برنگرش لبیرالی از انسان مبتنی می‌باشد. فردگرایی مفرط، تقدّم فرد بر جامعه و خودپرستی غیر اجتماعی فرد، از مفاهیم محوری لیبرالیسم است که ارزش‌ها و اخلاق، اصالت و حقیقت خود را از دست داده و به شدت فردگرایانه و تابعی از میل و اراده انسان خواهند بود (Arbstluser, 1988.p 22-61). در جوامع غربی از دیرزمان باورهای اجتماعی تبعیض آلودی در باره زنان بوده که نشان دهنده ارزش و منزلت پائین زنان نسبت به مردان است. بخشی از این باورها از اندیشه تحریف شده

Archive of SID

www.SID.ir

یهودیت و مسیحیت برمی‌خیزد. در تورات وجود زنان تلخ‌تر از مرگ پنداشته شده است و در دعای روزانه یهودیان است که "سپاس خدای را که مرا مرد آفرید"، یا در تعلیمات اصحاب معبد و کلیسا، زن خادم مرد و مرد ارباب اوست، گاه زن را به اقتضای سرشت خود در موقعیت بردگی قرار می دادند (Grow, 2000.p 51-70). در فلسفه یونان و الهیات یهودی و مسیحی، زن همچون همدمی ناقص برای مرد و تنها برای رفع نیاز مردان تعریف شده است. مردان به عقلانیت، تمدن و امور بزرگ مرتبط می شوند اما زنان با امور غیرعقلانی، شهوت و طبیعت ربط می یابند (Bisley, 2006.p 29-31).

وجود همین دیدگاه‌های تحقیرآمیز نسبت به زن، محرومیت‌های اجتماعی، فقدان شخصیت حقوقی، نابرابری شغلی و نداشتن حق رأی مهمترین چالش‌های زن غربی بود که نخستین موج فمینیسم را با هدف برابری با مردان و بهره مندی از حقوق و مزایای یکسان به وجود آورد.این مرحله به شکل افراطی در آثار برخی از مدافعان جنبش زنان تا مردستیزی و گاه خانواده‌ستیزی هم پیش می رفت و این نشان می دهد که فمینیست ها در اهداف تساوی خواهانه خود حاضر بودند به همان ستیز جنسیتی دچار شوند که مردان مبتلا بودند و بدین ترتیب بنیادی ترین هسته اجتماعی یعنی خانواده را نادیده بگیرند. (Moshirzadeh, 2003.p61-75).

تمام فمینیست‌ها اعم از لیبرال موج اول تا فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم بر این نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه‌های آن را در پندارهای مردسالارانه جوامع سنتی می‌دانند(Ghateanchi, 2002, quoted by Ahmadi Khorasani.p 186). فمینیست‌های لیبرال برای مدت مدیدی بر فردیت زنان به عنوان تنها معضل اجتماعی لاینحل تأکید می‌کردند و از نابرابری نقش زنان در خانواده و تولید مثل و باز تولید و بی نسلی غافل مانده بودند (Same: 189-190). مشخصه بارز فمینیسم این نظر است که فرودستی زنان باید مورد تردید و اعتراض قرار گیرد. فمینیسم رادیکال با الهام از چنین تفکراتی،انقلاب اجتماعی را به عنوان هدف جنبش زنان پیش کشید و بر این نکته تأکید داشت که "زنان به خودی خود فرودست نبودند، بلکه این فرودستی محصول فرآیند فعال ساخت قدرت بوده است." Philips, (1987.p1) .

بر چنین اساسی، ظاهراً راهی به جز ترکیب نوعی انقلاب سیاسی با انقلاب اجتماعی برای تغییر باقی نمی‌ماند، گو این که از آنجا که حتی نظریه‌پردازان چپ نو در انقلاب سیاسی " مثلاً در سال ۱۹۶۸" ناکام ماندند، فمینیسم رادیکال به انقلاب اجتماعی اکتفا کرد. از ابتدای شروع تفکرات فمینیستی، نظر بسیاری از فمینیست‌ها، فرو دستی و اصالت زنان در بستر روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی متولد شده و رشد کرده است. این همان تفکیک میان دو تعبیر نزدیک " جنس" و " جنسیت" است. بر این مبنا غالب اوصاف مردانه و زنانه، تفسیری جنسیتی از واقعیت جنسی است که بر مبنای تعریف نقش‌های متفاوت برای زنان و مردان، موجب ایجاد محدودیت و

Archive of SID

www.SID.ir

محرومیت بین دو جنس شده است (Mansbridge, 1995.p270). طبق گفته‌ی بستان (Bostan, 2099.p 3). واژه "جنسیت[1]" در ادبیات مطالعات زنان برای اشاره به ویژگی‌هایی به کار می رود که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت بروز می‌کند و در مقابل، واژه‌ی "جنس[2]" ویژگی‌های زیست شناختی زن و مرد است. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان اذعان داشت که تفسیری از جنسیت مردانه و زنانه در لقای مفهوم جنس قرار می‌گیرد و با توجه به این‌که زنان و مردان از نظر جنسی با هم متفاوت هستند،از نظر جنسیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی هم با هم متمایز می‌شوند، بنابراین تمام جنبش‌های آزادی‌خواه در غرب به دنبال این بودند که صرف نظر از ویژگی‌های جنسی متفاوت میان زنان و مردان، برای آن‌ها در حقوق اقتصادی و اجتماعی تساوی ایجاد کنند.

در ایران نیز در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه «شهری، روستایی و ایلی»، زنان صرفا در زمینه خانواده نقش اول را داشتند و فعالیت‌های آنان عمدتا محدود به کارهای خانه می شد و حتی نقش آنان در خارج از خانه در واقع ادامه نقش وی در داخل خانه بود (Jarallahi, 1993.p 257-258). از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم به دلیل ارتباط وسیع‌تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی- اقتصادی جامعه ایجاد شد که نتیجه‌اش دگرگونی در زندگی و موقعیت زنان پایتخت و شهرهای بزرگ بود. ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل نشین به دلیل دور ماندن از ارزش‌های غربی، تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد. از جمله فعالیت‌هایی که زنان به آن اشتغال داشتند: "کارگری در کارخانه های نساجی، قالی بافی و شیلات" بود. مشاغل سیاسی بسیار محدود و منحصر به طبقه حاکم بود. به جز این موارد، زنان معمولاً مسئول فعالیت‌های داخل خانه اعم از "بچه‌داری، نظافت و آشپزی و..." بودند. در قرن چهاردهم با توجه به امکان تحصیلات عمومی، اشتغال زنان در خارج از خانه رشد بیشتری پیدا کرد (Same.p260-263).

مسئله اشتغال بانوان، مزیت‌هایی را برای آن‌ها به همراه می‌آورد اما آن‌ها را با مشکلاتی هم مواجه می‌سازد، از جمله اینکه، دسترسی به تحصیلات دانشگاهی و شغل، زمانی را به خود اختصاص می‌دهد و نگرانی بالا رفتن سن ازدواج را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود درباره‌ی سن ازدواج، حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج، افزایش میزان تحصیلات "به ویژه برای زنان" است (Astinpeshan, 2002.p 288).

[1] gender
[2] Sex

Archive of SID

www.SID.ir

ازدواج نکردن زمانی به هراس تبدیل می‌شود که دختران با این واقعیت روبرو می‌شوند، که باورهای جنسیتی جامعه، مادر و همسر بودن را مهم‌ترین نقش زنان می‌شمرد. مطالعات نشان داده است که دسترسی زنان ایرانی به دو عنصر نوین تحصیلات دانشگاهی و اشتغال در خارج از خانه نتوانسته است از وزن عناصر سنتی خویشاوندی به طور جدی بکاهد(Alireza Nezhad & Saraei, 2007. P247)

این چالش برای زنان غربی نیز وجود داشت. هر چند با تحقق شعار فمینیستی مبنی بر این که زنان نیز باید دوشادوش مردان روانه بازار کار شوند، انتظار می‌رفت که بهبود چشمگیری در وضعیت معیشتی آن‌ها حاصل شود؛ اما به طور معمول زنان شاغل در بازار بین ۴۰ تا ۵۰ درصد که در شهر زندگی می‌کردند، مجرد بودند و جز نیروی کار خود، چیزی برای اشاعه نداشتند و بسیاری به علت نداشتن کار، به فحشا پناه بردند، تعداد این زنان در قرن ۱۹ در پاریس و لندن بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر بود (Shlity,2005. P114). بنابراین گسترش مفهوم عدالت جنسیتی، متناسب با مفاهیمی که در جوامع غربی استفاده می‌شد، زنان ایرانی را همانند زنان غربی با چالش مواجه ساخت، چون نگاه فمینیسم غربی، یک نگاه اومانیستی و سکولاریستی و بریده از دین است که به دلیل منتهی شدن به نفی انکار کرامت انسانی زن، نمی‌تواند مورد تصویب و پذیرش باورمندان به ادیان الهی باشد.

این در حالی است که احکام اسلام در زمینه عدالت جنسیتی نشان از حاکمیت پارادایم تعامل‌گرا در زمینه حقوق زن دارد و بر این اصل مبتنی است که جنس مؤنث از لحاظ ویژگی‌های بیولوژیک و نیز از حیث خلاصه‌های روانشناختی، تفاوت‌هایی با جنس مذکر دارد، اما این تفاوت‌ها اولاً طولی نبوده، بلکه عرضی هستند و در نتیجه تفاوت‌های انکارناپذیر جسمی و بیولوژیک دو جنس، هرگز به مثابه ارزش گذاری فرادستی و فرودستی جنسی نیست. ثانیاً فقط سویه‌های حقوقی زندگی دو جنس را در برمی‌گیرند و در عرصه‌های اخلاقی و انسانی اثری ندارند. اساس ویژگی‌های دوگانه این پارادایم، تفاوت و نابرابری در حقوق زن و مرد در مواردی که برقراری عدالت به آن منوط باشد، پذیرفتی است؛ در نتیجه هر تبعیضی به منزله ظلم نخواهد بود و آنجا که نابرابری‌ها بر اصل اصیل عدل استوار نباشد، یکسره مردود شمرده می‌شود. عدالت جنسیتی، موضوع ظریف و دارای ابعاد و اضلاع متفاوتی است که عدم توجه به برخی از این ابعاد و اضلاع می‌تواند عدم درک از عدالت را به وجود آورد. توجه به ریشه‌ی عدالت از جمله ابعادی است که باید مورد عنایت قرار بگیرد. مفهوم عدل به معنای برابری، همسانی و مساوات است. عَدل و عِدل در معنا نزدیک بوده، ولی عَدل در مورد چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و عِدل در مورد چیزی است که تساوی آن با حس معلوم شود (Ibn Manzur, 1983,Vol11.p 11). به علت نبود بینش کافی در بررسی مفهوم عدالت، بیشترین بحث عدالت جنسیتی در برخورداری شرایط یکسان زنان و مردان

Archive of SID

www.SID.ir

برای دسترسی به منابع و فرصت‌ها محدود می‌شود، لذا در این بحث، نابرابری بین زن و مرد وجود دارد و معمولاً نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخصه‌های نابرابری در حوزه‌ی اجتماعی و اقتصادی است، به طوری که در جامعه شرایط و موقعیت‌ها برای مردان در دسترسی به فرصت‌ها و منابع اقتصادی و اجتماعی بیشتر از زنان است.

برای این که از این کج‌فهمی رهایی یابیم، مفهوم عدالت را از دیدگاه امام علی (علیه‌السّلام) بررسی می‌کنیم. در اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السّلام) عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خویش است (Dashti, 1999.p735)؛ به همین جهت، ایشان عدالت را تدبیری عمومی می‌دانند که همه‌ی مردم را در برمی‌گیرد که از جود و بخشش نیز برتر و شریف‌تر است. بنابراین بر خلاف دیدگاه‌های اندیشمندان غربی که عدالت اجتماعی را به مثابه برابری و مساوات تلقی می‌نمودند، در اندیشه‌ی اسلامی چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود، چرا که اندیشه‌ی غالب آن است که چنین تعبیری، با ریشه‌ی لغوی عدل سازگار نیست (Madadi Chalcheh, 2009.p 10).

مقوله‌های «زن» و «عدالت جنسیتی» بسته به اینکه براساس چه اندیشه‌ای و در چه حوزه‌ی گفتمانی قرار گرفته باشند، معانی و هویت‌های متفاوتی به خود می‌گیرند که هر یک به نوع خاصی از گفتمان بستگی دارند، که به آن معنا و هستی بخشیده است. گفتمان جمهوری اسلامی، با برجسته کردن چنین وضعیت ناعادلانه‌ای که نسبت به زن در گفتمان‌های دیگر به وجود آمده بود، راه رهایی زنان از وضعیتی را که به آن دچار شده‌اند، در انقلاب و فروریزی گفتمان مدرنیزاسیون ترسیم نموده است (Nikkhah ghamsari, 2005.p260). در گفتمان جهموری اسلامی، دال اسلامیت به عنوان منبع معنادهی به دال‌های شناور باعث گردیده که عنصر زن با جهان‌بینی دینی و مذهبی پیوند خورده و خود نیز باز تولیدکننده‌ی این جهان بینی از طریق نهاد خانواده گردد. بنابراین، در گفتمان جمهوری اسلامی، تساوی حقوق میان افراد به معنای تشابه حقوقی میان آن‌ها نیست، بلکه مطابق با اصل عدالت و با توجه به تفاوت‌های موجود در میان زنان و مردان، باید برای هریک حقوق خاص تدوین شود و تدوین حقوق مشابه برای زن و مرد، در واقع به معنای عدم رعایت عدالت است (Motahari, 1999.p 121-124).

با توجه به مطالب مذکور نسخه‌ی غربی عدالت جنسیتی نمی‌تواند در جامعه‌ای که در آن تفکر اسلامی و دینی حاکم است، مثمر ثمر باشد. پس بهترین راهکار برای برقراری عدالت جنسیتی در جامعه‌ی اسلامی، عنایت به گفتمان اسلامی و بیرون آوردن مبانی و مؤلفه‌های مربوط به آن از منابع دینی می‌باشد. با توجه به اینکه بعد از انقلاب اسلامی گفتمان حاکم بر جامعه مبتنی بر منابع دینی و اسلامی است و از طرفی بدون داشتن مبانی و اصول متقن، نمی‌توان به ترسم، مدل و متد راهبردی دست یافت، در این مقاله محققین در تلاش‌اند که مبانی مربوط به عدالت جنسیتی را با

Archive of SID

www.SID.ir

مراجعه به نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار دهند، تا بتوانند به مدلی مناسب به منظور ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی دست یابند. برای رسیدن به این منظور، آن‌ها به بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه پرداختند. در ذیل به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول۱. مثال‌هایی از تحقیقات انجام گرفته درباره‌ی عدالت جنسیتی و نتایج آن:

محققان	عنوان مقاله	هدف/ روش	نتایج
Aghajani (2009)	چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی	نقد و بررسی نظریه تساوی، تبیین دیدگاه اسلامی و شاخصه‌های عدالت جنسیتی از این دیدگاه (تحلیلی- تفسیری)	نظریه‌های فمینیستی با توجه به خاستگاه آن‌ها و به ویژه مبانی فلسفی و فکری‌شان، در راستای هویت انسانی قرار نداشته و از دو جهت جغرافیایی و فرهنگی، قابلیتی برای تعمیم ندارد. در اسلام در حالی که تفاوت‌ها نادیده گرفته نشده، تبعیض هم تجویز نمی‌شود.
Rudgar (2009)	عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری	بررسی مفاهیم و مبانی «عدالت» و «جنسیت» با ترکیب «عدالت جنسیتی» از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری (تحلیلی- تفسیری)	یگانه مرجع حقوقی نظام آفرینش، غایت مندی فعل الهی است. نظام ارزشی اسلام در جریان «عدالت جنسیتی» نیز معنا و مبانی خود را نشان می‌دهد؛ مساوات ملازم، بلکه متحد با عدالت است و عدالت ریشه در تساوی دارد تا نفی تبعیض در آن، اصلی اصیل و قطعی باشد و «تشابه» اساساً موضوعیت ندارد؛ اگرچه مساوات مطلق غیر ممکن و مطلوب هم نیست؛ زیرا تفاوت‌های طبیعی و اکتسابی چنین حکم می‌کند.
Atashak(2012)	ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران	ارزشیابی تحقق عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ملی و بین‌المللی (ارزشیابی- تحلیل	در گروه‌های سنی تا ۳۴ سال در نقاط شهری، در گروه‌های سنی تا۳۹ سال در نقاط روستایی و در گروه‌های سنی تا ۲۴ سال، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و بیشترین بی‌عدالتی‌های آموزشی در گروه‌های عمده‌ی سنی بالاتر از ۳۵ سال مشاهده می‌شود. در مقطع ابتدایی، عدالت جنسیتی در آموزش حاصل شده و در مقطعه راهنمایی، متوسطه و

Archive of SID

www.SID.ir

		ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰)	آموزش عالی، بی عدالتی بهضرر دختران و تنها در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی به ضرر پسران وجود دارد.
Attarzadeh (2009)	عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست	تبیین محوریت مقوله‌ی عدالت در تأمین پیوند جنسیت با عرصه‌ی سیاست (مروری)	بهترین راه برای تحقق عدالت جنسیتی، پذیرش نقش اجتماعی زن در کنار توانمندی‌های سرشار وی در عرصه خصوصی است که زمینه‌ساز تعامل جنسیت با سیاست می‌باشد. در این مقاله محقق نخست، معنا و مفهوم عدالت در رویکرد جنسیتی را تبیین نموده و در ادامه به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زنان می‌پردازد و برخی از شبهات درباره عدم حضور سیاسی- اجتماعی زنان را بیان و پاسخ‌های مستدل به آن را می‌دهد.
Mirkhani (2013)	تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده	تبیین جایگاه محوری اصل عدالت در نظام قانون‌گذاری اسلامی و تأثیر آن بر عدالت جنسیتی در روابط انسانی اعضای خانواده (مروری)	عدالت مهم‌ترین موضوع مورد توجه در طول تاریخ زندگی بشر بوده است اما در طول تاریخ افراط و تفریط در این مسئله، جوامع را پیوسته از رسیدن به این هدف غایی باز داشته است. غرب بعد از رنسانس خواسته به مسئله‌ی بی‌عدالتی پاسخ دهد، اما با توجه به مشرب شرک و تفکر مادی‌گرایانه، در این راه ناکام بوده است. این درحالی است که عدالت جنسیتی در تفکر اسلامی از حکیمانه‌ترین مختصات نظام قانون‌گذاری اسلام است. محقق در این مقاله به این نتیجه دست یافت که راهبردی سازی عدالت جنسیتی در نظام اسلامی، موقوف به تدابیر عالمانه از سوی اندیشمندان اسلامی در تبیین صحیح آن، بدون افراط و تفریط می‌باشد.
Miroysinik (2015)	توسعه انسانی و عدالت	بررسی مهم‌ترین مفروضات نظری «رویکرد قابلیتی»	بررسی جنسیتی نظریه‌های توسعه، حاکی از نارسایی آن‌ها در زمینه مسائل زنان و موانع جنسیتی آن‌ها در برخورداری از فرصت‌ها و منابع واقعی زندگی است. رویکرد قابلیتی که

Archive of SID

www.SID.ir

	جنسیتی در رویکرد قابلیتی آمارتیاسن	آمارتیاسن و آثار آن در حوزه‌ی عدالت جنسیتی (تحلیلی-تفسیری)	برمبنای رویکرد انسانی آمارتیاسن به توسعه است، پیوندی میان آزادی، عدالت و دموکراسی برقرار می‌کند و عاملیت بخشی زنان را محور توسعه قرار می‌دهد. در این رویکرد، توسعه در درجه‌ی نخست باید با تمرکز بر توانمند سازی زنان، آزادی ابزاری آن‌ها را محقق سازد و در مرحله‌ی بعد، شرایط مناسب بیرونی را برای ابراز وجود و قدرت انتخاب‌گری آن‌ها فراهم کند.
Khani(2009)	چهارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری جنسیتی در جهان	بررسی شاخص‌های مهم نابرابری جنسیتی، در این مقاله محقق به تبیین مشکل ساختاری این شاخص‌ها در خصوص عدم توجه به الگوها و قالب‌های ساختاری جوامع پرداخته است (تحلیلی-سندی)	نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که منابع منتشره در جهان، وجود نابرابری‌های جنسیتی را تأیید می‌کند که عوامل اجتماعی کلید اصلی آن‌هاست.
Abbaszadeh (2015)	بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دست‌یابی به عدالت	تبیین جایگاه زنان در برنامه‌ی توسعه پس از انقلاب و با تأکید بر عدالت جنسیتی در آموزش عالی (تطبیقی به روش برودی)	گرچه زنان در حوزه‌ی آموزش، به رغم طی مسیرهای علمی، به لحاظ آمارهای کمّی رشد چشمگیری داشته اند، اما در تأمین معیارهای مطلوب کیفی، بازدهی مطلوبی نداشته و بنابراین اثربخشی برنامه‌های توسعه باید با حرکت به سمت الگوهای کیفی، آن را جبران کند.

Archive of SID

www.SID.ir

	جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران در مقایسه آن با وضعیت جهانی		
Kashaniha(2011)	مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان	بررسی عدالت جنسیتی در حوزه‌ی اشتغال زنان با رویکرد قرآنی و روایی (کتابخانه‌ای- تحلیل محتوا)	در مبانی دینی، زنان مالک اموال خود هستند و وظیفه رفع نیاز خانواده برعهده‌ی آنان نیست ولی می‌توانند از این حق طبیعی استفاده بکنند، البته مشروط براینکه این حق، تعارضی بر حقوق همسر و فرزندان ایجاد نکند و در صورت تعارض با تأمین شرایط و تعهدات، تعارض برطرف شود.

با توجه به تحقیقات انجام شده، هنوز مفهوم عدالت جنسیتی از ابهاماتی برخوردار است و هنوز در جامعه‌ی ایران مفهومی مانند شکاف جنسیتی دیده می‌شود.

شکاف جنسیتی به عنوان یک شکاف ساختی، از تقسیم جمعیت میان دو گروه مردان و زنان به وجود می‌آید (Bashriyah, 2000.p 101). در مورد شکاف و نابرابری‌های جنسیتی دو رویکرد می‌توان اتخاذ نمود: یکی منابع توصیفی که شکاف و نابرابری‌های جنسی را از زاویه انگیزه‌ها، نقش‌ها و پایگاه‌های انتصابی و گرایش‌های فردی و جمعی مورد توصیف قرار داده، دوم منابع تبیینی که عمدتاً به اتکا دیدگاه فمینیستی، موانع مشارکت توانمند سیاسی زنان را در مواردی چون مردانه بودن محرک‌های انگیزشی و رفتاری، نقش زنان در تأیید مواضع قدرت مستقر، پراکندگی تشکل‌های زنان و بالاخره تبعیت زنان از تفکرات کاذبه‌ی مردانه خلاصه می‌کنند و معتقدند دولت و سیاست، پدیده‌های مردسالارانه دارند و تنها با تغییر ساخت قدرت می توان زنان را از لحاظ سیاسی توانمند کرد. به این ترتیب، فمینیسم را برای تبیین زندگی اجتماعی و تجربه

Archive of SID

www.SID.ir

بشری ترسیم می‌کنند که موضوع آن حول محور موقعیت زنان در جامعه از حیث نابرابری‌ها، تمایزها و ستمگری‌های مردانه خلاصه می‌شود و در این راستا از شاخص‌هایی چون حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی، برابری دستمزد زنان و مردان در قبال کار برابر، فرصت‌های برابر در دسترسی به امکانات آموزشی، ابهام محاسبه کار خانگی و نابرابری در حقوق مدنی سود می‌گیرد. اما در مجموع این دو پاسخ از نواقصی رنج می‌برند: اولاً دیدگاه توصیفی بدون اتکا به چارچوب نظری، وارد دنیای پر رمز و راز مناسبات زنانه - مردانه جامعه شده و صرفاً در حد کاری کارشناسی خلاصه می‌شوند. ثانیاً دیدگاه تبیینی نیز به دلیل تأکید صرف بر مبانی نو مارکسیستی، در ارتباط دادن سیستماتیک نابرابری‌های جنسی به شرایط سیاسی و قدرت نیروهای اجتماعی در اشکال آشکار و پنهان آن، ناکام می‌ماند (Mansournejad, 2002.p 211). دفاع از حقوق زنان، مثل بسیاری از مفاهیم ارزشمند و انسانی دیگر، دست مایه رویکردهای افراطی و گروه‌هایی قرار گرفته است که بدون شناخت ماهیت انسانی زن و حقوق وی، در مقام دفاع از حقوق زنان قرار گرفته اند. به رغم ناکامی دو رویکرد مذکور، ادیان الهی در تلاش برای غلبه بر شکاف جنسیتی که زمینه‌ساز نابرابری در این عرصه است، موفق بوده‌اند.

هرچند در نگاه نخست مقایسه عملکرد ادیان با دیدگاه‌های نظری نامتجانس به نظر آید، اما در این مقایسه، ناکامی تلاش‌های بشری به منظوربرقراری عدالت در همه‌ی زمینه‌ها و به ویژه در عرصه‌ی جنسیت به دلیل ملاحظات و منافع نفسانی و کامیابی ادیان الهی در این عرصه، به جهت اعتقاد به این اصل که بی‌گمان کسانی می‌توانند عدالت‌خواه و مجری عدالت اجتماعی باشند که در مرحله نخست، خود عادل باشند؛ چرا که برپاداشتن عدل از غیر عادل محال است و فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد، به روشنی آشکار می‌گردد. به همین دلیل محققین قصد دارند با مراجعه به منابع دینی از جمله نهج‌البلاغه به این ابهامات پاسخ دهند.

اهمیت فرمایشات حضرت علی (علیه‌السّلام) در نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از منابع بسیار ارزشمند که به مسائل مبتلا به جامعه پرداخته است، بر همگان مبرهن و آشکار است. لذا توجه به مؤلفه‌های عدالت جنسیتی در نهج البلاغه، به منظور ارائه الگویی جهت بهبود رابطه‌ی بین زنان و مردان و تبیین جایگاه و مسئولیت‌های دو جنس، ضروری می‌نماید. در این مقاله محققین درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که از دیدگاه نهج‌البلاغه تئوری عدالت جنسیتی چیست؟ و چگونه می‌توان مفهوم عدالت جنسیتی را در جامعه‌ی اسلامی ارتقاء داد؟

هدف پژوهش: ارائه مدلی جهت ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه.

برای رسیدن به این هدف، می‌توان خرده اهدافی را در نظر گرفت که در متن ذیل به آن اشاره می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول شماره(۲): اهدافی که محققین در هر مرحله از تحقیق در صدد رسیدن به آن‌ها می‌باشند

خرده اهداف پژوهش	سؤالات پژوهش
- شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی عدالت جنسیتی	- چه عواملی موجب توسعه‌ی عدالت جنسیتی در جامعه می‌شوند؟
- شناسایی موانع ایجاد عدالت جنسیتی در جامعه.	- چه موانعی (شرایط مداخله‌ای) در برقراری عدالت جنسیتی در جامعه نقش دارند؟
- شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد عدالت جنسیتی	- شرایط زمینه‌ای برای برقراری عدالت جنسیتی کدام است؟
- شناسایی پیامدهای ناشی از برقراری عدالت جنسیتی در جامعه.	- برقراری عدالت جنسیتی چه تأثیراتی بر جامعه دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با کاربرد روش‌شناسی مناسب – نظریه مبتنی بر زمینه- با هدف ارائه الگویی جهت برقراری عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی، طرح ریزی شده است. روش تحقیق نظریه مبتنی بر زمینه، یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن، با استفاده از یک دسته مفاهیم، نظریه‌ای تکوین می‌یابد؛ به‌طوری‌که این نظریه، در سطح وسیع یک فرایند، یک عمل یا یک تعامل را تبیین می‌کند. این روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد که به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه از طریق تحلیل مقایسه ای مشاهدات اقدام کنند و از آنجایی که این نظریه برخاسته از داده‌هاست، متناسب با موقعیت مورد مطالعه می‌باشد و تبیین بهتری از نظریه‌های موجود برای موقعیت نامعین فراهم می‌آورد (Bazargan, 2008.p 95). در نظریه مبتنی بر زمینه، پژوهش از یک حوزه مطالعاتی شروع و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به موضوع است، خود را نشان دهد، بنابراین نوعی پژوهش اکتشافی تلقی می‌شود (Strauss & Corbin, 2011) . در همین راستا، محققین با مراجعه به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، به دنبال ارائه مدلی جهت برقراری عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی بودند. مفاهیم از طریق فرایند کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفتند. در طی کدگذاری باز، متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، پیاده شده و با استفاده از علامت‌گذاری، ایده‌های تکراری شناخته شد. کدگذاری و بررسی مفاهیم تکراری شده تا رسیدن به اشباع- وقتی که هیچ موضوع جدیدی را نمی‌توان در مفاهیم خام یافت- ادامه پیدا کرد. در مرحله‌ی بعد محققین این توالی پیش

Archive of SID

www.SID.ir

رونده را از طریق کدگذاری باز مفاهیم، در قالب مقوله‌های اصلی، فرعی، شرایط علّی، زمینه‌ای و مداخله‌ای، راهبردها و پیامدها طبقه‌بندی کردند- جدول شماره ۳- و به صورت نظری در قالب مدل پارادایمی – شکل شماره ۱- به هم مرتبط ساختند و از این طریق ثبات فرآیند دستیابی به نتایج که معرف اعتماد به یافته‌های پژوهش است، حاصل شد. برای جلوگیری از سوگیری، در طی فرآیند تحلیل، چندین بار متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها برای یافتن مدل مورد بازنگری قرار گرفت. به منظور بررسی روایی، مدل پارادایمی کامل شده با نتایج و اطلاعات به دست آمده از مقاله‌های قبلی- که در جدول شماره ۱ ارائه شده است- مقایسه و دلیل تغییر در مفاهیم و مقوله‌ها روشن گشت و مفاهیم و مقوله‌های جدید دوباره تنظیم شد. همچنین براساس معیارهای ارائه شده توسط کرسول برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و تأیید آن، اقدامات زیر انجام شد: (Kruse & Lillie, 2000. P125-127)

بررسی توسط کارشناسان دینی: ۶ نفر از کارشناسان دینی حوزه‌ی علمیه قم گزارش نهایی مرحله‌ی نخست فرآیند تحلیل مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کردند. پیشنهادهای آن‌ها در پارادایم کدگذاری محوری اعمال شد.

بررسی توسط استادان دانشگاه: ۴نفر از استادان دانشگاه ملایر و تبریز پارادایم کدگذاری محوری را بررسی نمودند و نظرات آن‌ها در بازنگری و تعدیل مدل به کار گرفته شد و در نهایت، شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، راهبردها، مقوله‌ی محوری و پیامدها از کدگذاری‌ها استخراج گردید.

در این پژوهش محققین با مراجعه به سخنان گران‌قدر امام علی (علیه‌السّلام) در نهج البلاغه و بررسی خط به خط و نکته به نکته خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، نکاتی را که مرتبط با عدالت جنسیتی بود استخراج کردند، تا بتوانند مفاهیم و مقوله‌ها را در مراحل بعدی، کدگذاری و طبقه‌بندی کرده و در قالب یک مدل ارائه نمایند. در تحقیق نظریه‌ی بنیادی، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، نظم و تجزیه و تحلیل داده‌ها به هم‌وابسته‌اند و هم‌زمان انجام می‌شوند. مرحله‌ی تحلیل، شامل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی می‌باشد. کدگذاری به فرآیندی از تحلیل اشاره دارد که در خلال آن مفاهیم تشخیص داده شده، ابعاد و خصوصیات آن در داده‌ها کشف می‌گردند(Iman & Mohammadian, 2008).

یافته‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

در تحلیل یافته‌ها با استفاده از تکنیک تحلیلی اشتراس و کربین (۲۰۱۱)، مفاهیم به عنوان واحد تحلیل، در سطوح متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه مورد تحلیل قرار گرفتند و با تفکیک متن به عناصر دارای پیام، کدهای باز استخراج گردید. به دلیل تعداد زیاد مفاهیم استخراج شده، کدگذاری باز طی دو مرحله انجام شد که طی آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگتری قرار گرفتند؛ بعد از این مرحله سعی شد که مفاهیم اولیه نیز در قالب دسته‌بندی‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی گردند، که در نهایت ۱۷۸مفهوم از آن به دست آمد. با طبقه‌بندی این مفاهیم، ۲۴ مقوله‌ی فرعی شکل گرفت که در مرحله‌ی کدگذاری محوری در ۱۶مقوله‌ی اصلی طبقه‌بندی شدند.

در طول فرآیند کدگذاری انتخابی و فرآیند تلفیق جهت یک‌پارچه سازی و پالایش نظریه، متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و بعد از مشخص شدن مقوله‌ی مرکزی (پدیده‌ی محوری) و استفاده از آن جهت نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بود، مورد توجه قرار گرفت. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی عدالت جنسیتی شکل گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به صورت شرایط علّی (۳ مقوله)، مقوله‌ی محوری (عدالت جنسیتی)، راهبرها(8مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۳مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱مقوله) و پیامد (۲مقوله)، جای گرفتند. (شکل شماره۱)

جدول۳: پدیده‌ی محوری (عدالت جنسیتی)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری			کدگذاری باز
پدیده‌ی محوری	شرایط، راهبردها، پیامدها	مقولات اصلی	مقولات فرعی	خلاصه‌ای از کدهای باز
		آفرینش مشترک زنان و مردان	هدفمندی آفرینش انسان	آفرینش مشترک انسان استقلال در تعیین سرنوشت استقلال زن و مرد در مالکیت مادی و معنوی
		توجه به تفاوت‌های میان زنان و مردان	تفاوت در بنیان وجودی زن و مرد	توجه به تفاوت‌های بیولوژی، فیزیولوژی، روانی و احساسی زنان و مردان

Archive of SID

www.SID.ir

عدالت جنسیتی	شرایط علّی	«اپوژنتیک، نژاد شناسی»	تفاوت در ویژگی‌های جنسیتی دو جنس «جنسیت طبیعی، جنسیت زیست شناختی»
		توجه به تفاوت‌های اخلاقی زنان و مردان	نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی در زنان و مردان
	عدم برتری مردان نسبت به زنان	همسانی زنان و مردان در آفرینش، انجام تکالیف الهی، دریافت پاداش و مجازات	همسانی در آفرینش، یکسانی گوهر زن و مرد همسانی زنان و مردان در تکلیف و رسالت الهی همسانی زنان و مردان در دریافت پاداش و مجازات عدم تبعیض بین دختر و پسر «دو جنس زن و مرد»
	وظایف متقابل زنان و مردان در قبال یکدیگر		زن و مسئولیت‌های زندگی نقش همسری زنان، اخلاق همسرداری
		مسئولیت همسری و مادری زنان	تربیت درست و صحیح فرزندان «نقش مادری زنان»، شتاب در تربیت فرزندان تکامل بنیان خانواده توسط زن نقش حجاب بانوان در تحکیم خانواده
		رعایت عفاف و حجاب از وظایف بانوان	الگوگیری از حضرت فاطمه زهرا (سلام‌علیها) «بهترین زن جهان» انتخاب همسری شایسته
		مسئولیت همسری و پدری مردان	برقراری عدالت در پرداخت حقوق زنان و فرزندان دوری از فتنه‌های زنان شرور سرپرستی زنان، مراقبت از بانوان
	راهبردها		

Archive of SID

www.SID.ir

			توجه به تمامی ابعاد تربیتی و نظارتی
			نظارت درست بر امور خانواده «مدیریت صحیح خانواده»
			توجه به کانون خانواده « توجه به خانواده و ارکان آن »
		مدیریت خانواده از وظایف مردان	غیرت مردان نسبت به زنان، پرهیز از غیرت ناب‌جای مردان نسبت به زنان
			رعایت اعتدال در پرداخت به امور خانواده
	توجه به تفاوت‌های مردان وزنان در احراز شغل	تناسب کار با وضعیت جسمی و روحی زنان و مردان	نقش‌های متفاوت دو جنس
			تناسب جنسیت با نقش‌ها
	روانشناسی زنان	روان شناسی زنان	آشنایی با علم زن شناسی
عدالت جنسیتی	شناخت جایگاه زن در اسلام	شناخت جایگاه زن در اسلام	ارزش زن در اسلام
			ضرورت نظارت و دیده‌بانی بر نفس خویش
	رعایت فضیلت‌های اخلاقی	ضرورت خودسازی	غیرت‌مندی راه مصون ماندن از زنا
			مبارزه با هوای نفس
			توجه به فناپذیری دنیا
		تقوا ملاک برتری	ضرورت رعایت تقوا «بهره‌مندی از تقوا»
			ازدواج نعمت الهی
	ازدواج و تشکیل خانواده	ازدواج و تشکیل خانواده	تولید مثل و بقای نسل «تکامل نسل»
			پاسخ‌گویی به نیاز همپوشانی و آرامش توسط دو جنس
	توجه به اصل		شناخت عدالت

Archive of SID

www.SID.ir

	عدالت در همه‌ی امور	توجه به اصل عدالت در همه‌ی امور	تلاش برای برقراری عدالت عدم تبعیض بین دختر و پسر «دو جنس زن و مرد»
	دمکراسی، حکومت مردم سالارانه	تأکید بر آزادی انسان	نفی آزادی نکوهیده (آزادی بی قید و شرط) نفی برده‌داری در جامعه نفی انحراف گرایی نقد تفکر فمینیسم « اصالت دادن به زن یا زن‌سالاری» نفی تفکر نژادپرستی نفی تفکر خودبرتر بینی و نخبه‌گرایی تأکید بر تفکر برادری و برابری ملت‌ها
	محوریت تفکر دینی	احترام گذاشتن به مرزها و حدود الهی	
شرایط زمینه‌ای		محوریت خدا در امور زندگی	ناظر یافتن خدا بر همه‌ی امور عشق الهی مانعی برای خودکامگی و شهوت شناخت عدالت
	توجه به ارزش‌های اخلاقی	توجه به اصل عدالت در همه‌ی امور	تلاش برای برقراری عدالت برقراری عدالت آموزشی بین زنان و مردان
	دوری از رذیلت‌های اخلاقی	دوری از رذیلت‌های اخلاقی	پرهیز از خودکامگی نفی هوا پرستی «پرهیز از هوای نفس»
		هواپرستی	هواپرستی مانعی برای رسیدن به حقیقت امور
شرایط مداخله‌ای	خودکامگی فطری	دنیا دوستی و توجه‌ی بیش‌از حد به آن	خطر عشق و وابستگی‌های دوروغین
	ارتقاء ارزش‌های اخلاقی و	ارتقاء ارزش‌های اخلاقی در مردان	حفظ دین و شخصیّت مردان توسط زنان

Archive of SID

www.SID.ir

	پیامدها	کنترل زنان و مردان	و زنان
			جلوگیری از فساد و خیانت به خانواده
		کنترل انسان	رعایت حقوق زنان
			رسیدن زنان به امنیّت

توضیح: محوریت تفکر دینی، توجه به ارزش‌های اخلاقی و دوری از رذیلت‌های اخلاقی به عنوان شرایط زمینه‌ای است که در ایجاد عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی، نقش محرک را ایفا می‌کنند. یعنی اگر این عوامل ایجاد شوند، زمینه را برای برقراری عدالت جنسیتی ایجاد می‌کنند. خودکامگی فطری، از جمله شرایط مداخله‌گر است که در ایجاد عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی نقش ترمز را ایفا می‌کند. یعنی؛ اگر در جامعه هواپرستی، دنیا دوستی و... وجود داشته باشد، عدالت جنسیتی برقرار نمی‌شود. شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر دقیقاً در دو جهت مخالف بر راهبردها تأثیر گذار هستند. شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تأثیر منفی و شرایط زمینه‌ای بر راهبردها تأثیر مثبت وارد می‌کند. حال اگر راهبردها در جامعه اجرا شود، پیامدهایی از آن به وجود می‌آید. رابطه‌ی تمام موارد ذکر شده در مدل پارادایمی ذیل آورده شده است.

Archive of SID

www.SID.ir



Archive of SID

www.SID.ir

بحث در مورد یافته‌های تحقیق به تفکیک ابعاد مدل پارادایمی عدالت جنسیتی

مطابق مدل پدیدار شده، محور اصلی، ارتقا عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی است. محور/ پدیده‌ی اصلی عبارت است از، مقوله‌ای که به ما می‌گوید : "چه چیزی در جریان است؟ "در تحقیق حاضر محور اصلی، "ارتقا عدالت جنسیتی" در جوامع اسلامی است که همه‌ی عوامل و تأثیرات در جهت آن حرکت می‌کنند. این مقوله عبارت است از، آشنایی با تفاوت‌های وجودی مردان و زنان «هویت جنسیتی آن‌ها» و لحاظ کردن این تفاوت‌ها، به گونه‌ای که متناسب با آن، از دو جنس انتظار رفتار خاصی داشته باشیم. در چنین شرایطی است که نه‌تنها حق هیچ یک از دو جنس پایمال نمی‌شود، بلکه حق در جای خود می‌نشیند و عدالت جنسیتی برقرار می‌گردد. بررسی ادبیات در حوزه‌ی مفهوم هویت جنسیتی، نشان می‌دهد که هویت جنسیتی با هر نوع تعریفی که داشته باشد، حقیقتی است که در همه جوامع و در طول تاریخ خود را نشان داده و قابل انکار نیست. در هر حوزه‌ای که هویت جنسی باشد، پیشاپیش حضور عدالت جنسیتی، ضرورت می‌یابد. نهادهای مختلف اجتماعی از قبیل خانواده، اقتصاد، حکومت، تعلیم و تربیت و فعالیت‌های تفریحی و هنری از مهم ترین عرصه‌های حضور فرد با هویت جنسی است؛ لذا عدالت جنسیتی در تمام این عرصه‌ها اجتناب ناپذیر خواهد بود (Bostan, 2009). به لحاظ هویت تاریخی از یک سو و توجه به اصل کرامت انسانی از سوی دیگر، تنها مکتبی که به زن شخصیت داده و برای وی ارزش و اعتبار اجتماعی قائل شده و به واقع عدالت جنسیتی را پاس داشته، اسلام است. با توجه به اینکه نسخه‌ی کشورهای غربی برای برقراری عدالت جنسیتی، نه تنها مشکل تبعیض جامعه بین زنان و مردان را برطرف نکرد، بلکه مشکلات عدیده‌ای در این زمینه- به خصوص با گسترش تفکر فمینیسم- به وجود آورد، محققین در این مقاله با استفاده از منابع دینی و اسلامی، مدلی را برای برقراری عدالت جنسیتی در جامعه اسلامی را از دیدگاه امام علی (علیه‌السّلام) ارائه کردند.

شرایط علّی:

عدالت جنسیتی تحت شرایطی به وقوع می‌پیوندد. شرایط عبارت از، مجموعه رویدادها و حوادثی است که موقعیت‌ها و مسائل و امور مربوط به پدیده را خلق می‌کند و تا حد معین چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهد. در مدل پارادایمی اشتراس و کربین (2011)، «شرایط» تحت عنواین موجبات علّی، مداخله‌گر و زمینه‌ای مطرح می‌شوند. موجبات علّی تأثیرگذار بر عدالت جنسیتی که در شکل شماره ۱ آمده است، شامل «آفرینش مشترک زنان و مردان»، «تفاوت‌های میان مردان و زنان» و «عدم برتری مردان نسبت به زنان» است.

Archive of SID

www.SID.ir

«از نظر اسلام زن و مرد در طبیعت، انسانیت و شخصیت حقوقی و معنوی یکسانند، لکن هر یک از این دو صنف به واسطه خلقت فیزیکی و خصائص ویژه‌ی خود، تفاوت‌هایی با صنف مقابل خواهند داشت» (Tabatabaee, 1999.p 323). تأکید بر " آفرینش مشترک" بین زن و مرد، تأکید درستی است که در آموزه‌های دینی اسلام به صراحت به آن توجه شده است. بنیادی ترین قلمرو این اشتراک را می توان در اصولی از قبیل هدف و راه‌های وصول به غایت آفرینش، استقلال در گزینش راه صحیح، استقلال زن و مرد در مالکیت مادی و معنوی و استقلال در تعیین سرنوشت معرفی کرد. (Aghajani, 2009). قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید: " که زن را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ام." (Motahari, 1999,Vol19. p131). «احزاب/۳۵، آل عمران/۱۹۵، نساء/۱۲۴، نحل/۹۷، بقره/ ۱۸۳، یونس/۱۰۸، توبه/۷۱، بقره، ۲۲۸ ». « اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت، نظر تحقیرآمیزی نسبت به زن نداشته است، بلکه چنین نظریاتی را مردود شناخته است. » (Same.p 135).

در بیان تفاوت‌های دو جنس می‌توان نتیجه گرفت که بین دو جنس از نظر روانی، بیولوژیکی، فیزیولوژیکی، جسمی و... دوگانگی‌هایی وجود دارد ولی این دوگانگی‌ها به معنای برتری یک جنس بر دیگری نیست. « آنچه در خلقت وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض» و راز تفاوت یک کلمه است، «تفاوت موجودات، ذاتی آن‌ها می‌باشد و لازمه‌ی نظام علت و معلول است.» (Motahari, 1998. P121-125)«از این رو تفاوت بین دو جنس در برخی از احکام و مقررات اعتباری به هیچ وجه به معنای برتری شخصیت و منزلت یکی بر دیگری نیست؛ بلکه به این معنا است که زن و مرد در عین این که هر دو انسان و دارای شخصیت انسانی هستند؛ دو گونه انسانند با دو خصلت و دو گونه روان‌شناسی که طرح آن در متن آفرینش ریخته شده است.» (Motahari, 1990.p 5).

به هر حال از حیث «ارزش شناختی» بین زن و مرد در این که خلیفه‌الله، امانت دار الهی، صاحب مقامات معنوی و مراتب علمی- معرفتی باشند؛ امتیازی نیست و الگوهای بسیار کارآمد و پویایی در جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های قرآنی نیز وجود دارد که به خوبی می‌توان تفاوت در اکتساب مقامات معنوی و عدم تبعیض در آن‌ها را اثبات و تبیین نمود. وجودهای نورانی‌ایی چون فاطمه زهرا (سلام‌علیها)، مریم عذرا (سلام‌علیها)، مادر موسی (علیه‌السّلام) و .... دال بر این موضوع است. از سوی دیگر راه ولایت الهی به روی همگان باز است و سیر سلوک معنوی- عرفانی، جنسیت‌گرایانه و مردسالارانه نیست (Javadi Amoli, 1996.p 145).

راهبردها:

تحت تأثیر عوامل مذکور، عدالت جنسیتی دارای راهبرهای: «وظایف متقابل مردان و زنان در قبال همدیگر»، «روانشناسی مردان و زنان»، «شناخت جایگاه زن در اسلام»، «رعایت فضیلت‌های اخلاقی»، «ازدواج و تشکیل خانواده»، «توجه به تفاوت‌های مردان وزنان در احراز شغل»، « توجه

Archive of SID

www.SID.ir

به اصل عدالت در همه‌ی امور» و «دمکراسی، حکومت مردم سالارانه» است. مطابق نظر اشتراس و کربین (۲۰۱۱)، «راهبردها»، رفتارها، اعمال، تعاملات و کنش‌هایی هستند که در طرز عمل عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها، توسط افراد در مواجهه با مسائل و برای حل آن‌ها به کار می‌رود و با صورت گرفتن آن‌ها، پدیده‌ی خاصی شکل می‌گیرد.

با توجه به نتایج کدگذاری، برای این‌که عدالت جنسیتی به معنای واقعی کلمه تحقق یابد، هر کدام از دو جنس متناسب با ویژگی‌هایی که دارند، باید مسئولیت‌های خود را به درستی انجام دهند و حقوق متقابل یکدیگر را رعایت کنند. «بدیهی است که یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای شناسایی حقوق واقعی انسان‌ها کتاب پر ارزش آفرینش است. با رجوع به صفحات و سطور این کتاب عظیم، حقوق واقعی مشترک انسان‌ها و وضع حقوق زن و مرد در مقابل یکدیگر مشخص می‌گردد.» (Motahari, 1999,Vol19 .p 175).

از جمله حقوق مردان بر زنان می‌توان به: مسئولیت همسری و مادری زنان و رعایت حجاب توسط آن‌ها اشاره کرد. یافته‌ها با نتایج پژوهش (Ghaemi, 1984. P236) که معتقد است زن آگاه مسلمان می‌داند که بیش از شوهر در ساختن یا ویران کردن بنای اخلاقی کودک مؤثر است و سعادت‌ها و شقاوت کودکان تا حدود نسبتاً زیادی به مادران مربوط است، مطابقت دارد. امام صادق (علیه السّلام) در باره‌ی نقش زنان در حفظ و تکامل بنیان خانواده می‌فرمایند: «هیچ کس فایده‌ای به دست نیاورده که بهتر باشد از همسر شایسته‌ای که چون به او بنگرد، شاد گردد و چون از نزد او غایب شود، عفت خویش و مال او را نگهدار باشد.» (Har Amali, 1997.p 12)

اسلام به عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و احکام، رویکرد جنسیتی خاصی را به نمایش گذاشته است. دیدگاه اسلام از ویژگی‌هایی مانند شناخت کامل تفاوت‌های جنسی حقیقی و تمییز آن‌ها از تفاوت‌های کاذب، تفسیر مبرا از هرگونه کج اندیشی در باب تفاوت‌ها، ترسیم اهداف و آرمان‌های اجتماعی در راستای سعادت حقیقی انسان‌ها و رعایت عدالت و مصلحت در قانونگذاری برخوردار است. تفاوت زیست شناسی زن و مرد، تأثیر مستقیم بر حقوق جنسی، الگوی حضانت، اخلاق جنسی «مثل حیا و غیرت»، سن بلوغ، تکالیف متفاوت زن و مرد در ارتباط با جنگ نظامی دارد. اما تأثیر آن در حق نفقه، ارث، دیه و الگوی مشارکت اقتصادی و سیاسی به صورت غیر مستقیم است. برای نهاد خانواده به عنوان بنیاد اصلی نظام اجتماعی، اهمیتی فراوان و منحصر به فرد قائل است. از سوی دیگر، زن را محور خانواده قلمداد می‌کند، از این رو در همه مواردی که نقش‌های خانوادگی و نقش‌های اجتماعی زن در تعارض قرار می گیرند، اصالت و اولویت را به نقش‌های خانوادگی می‌دهند. با ملاحظه اوضاع نابه سامان فرهنگی و اخلاقی، جوامع معاصر اذعان خواهند

Archive of SID

www.SID.ir

نمود که تنها راه برون رفت از این اوضاع آشفته، احیای مجدد دو اصل یاد شده، یعنی جایگاه والای خانواده و محوریت زن در آن ...و درخواست احیای نقش مادری است (Bostan, 2009.p 6).

با بررسی منابع دینی و مؤلفه‌های موجود در نهج البلاغه مشخص می‌گردد که اسلام با توجه به ویژگی‌های روانی، جسمانی، عاطفی و... زنان، مسئولیت اقتصادی و اداره‌ی امور جامعه را به آن‌ها نداده است. «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن » (نساء/۳۲). اسلام از زن وظیفه‌ی اقتصادی را نخواسته است، اما حق تحصیل مال را به عنوان حقی فردی به او عطا کرده است. همین که زن به کار خانه و فرزندان می‌رسد، وظیفه‌ی سنگین و شغلی دشوار است. (Ghaemi, 1984.p 236). «اسلام به شکل بی‌سابقه‌ای جانب زن را در مسائل اقتصادی و سیاسی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده است و حق قیومیت در معاملات زن را که در دنیای قدیم سابقه ممتد دارد و در اروپا تا اوایل قرن بیستم رایج بود، از مرد گرفته است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت مالی بودجه‌ی خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دویدن به دنبال پول معاف کرده است. » (Motahari, 1990.p 263). این مباحث حاکی از آن است که دین اسلام به رغم عدم حضور مستقیم زن در عرصه عمومی و تصدی همه مسئولیت‌هایی که مردان به تناسب توانمندی‌های خاص خود عهده‌دار آن می‌شوند، اما کارآمدی زن در این غیبت ظاهری را از نظر دور نداشته است و از زنان خواسته تا هنگام حضور در اجتماع حجاب خود را رعایت کنند و زینت‌های خود را از نامحرم بپوشانند (نور/ ۳۱). با توجه به نتایج تحقیق یکی دیگر از وظایف بانوان حفظ حجاب و عفاف خود در هنگام حضور در جامعه و الگوگیری از بزرگانی چون حضرت فاطمه زهرا (سلام‌علیها) می‌باشد. زنان متناسب با ویژگی‌های فطری خود یعنی صفت جمال میل به آشکارکردن زینت‌های ذاتی خود را دارند، حال اگر این جنس عفت ورزیده و پوشش خود را به بهترین شکل رعایت نماید، به اندازه‌ی مجاهد در راه خدا از ثواب و پاداش بهره‌مند می‌شود. پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دراین‌باره می‌فرمایند: «زنی که برای حفظ غیرت، استقامت بورزد وبرای خدا وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام بدهد، خدا پاداش شهید رابه او می‌دهد» (Majlisi, 1982.p 250)

در کنار وظایف زنان، مردان نیز مسئولیت‌هایی دارند، از جمله حقوق زنان بر مردان می‌توان به «مسئولیت همسری و پدری مردان» و «مدیریت خانواده توسط مردان» اشاره کرد. یکی از وظایف مردان انتخاب همسری شایسته است. این مسئله در آیات متعددی از جمله: « عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجاً خَيْراً مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَاراً (تحریم/۵) آمده است. ذکر این نکته ضرورت دارد که نه تنها مردان بلکه زنان نیز باید همسری شایسته را برای خود برگزینند و بعد از ازدواج به وظایف خود به نحو احسن عمل کنند. درباره‌ی نقش همسری بانوان و نقش مردان در انتخاب همسری شایسته می‌توان گفت که «الدنیا متاع و

Archive of SID

www.SID.ir

خیر متاعها المرأة الصالحه» «دنیا متاعی است و بهترین متاع آن زن پارسا است.» (Nahj al-) « pasaheh, 1981.p 169الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ وَ اللاَّتي تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبيلاً إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلِيًّا كَبيراً » (نسا/۳۴). این جمله، خبریه و وصفی به داعی انشاء است. خداوند قیمومت و اِشراف در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن را برای مرد جعل کرده است و مرد باید بر همسرش قوّام باشد .چون زن، ناموس او و امانتی الهی است که خداوند حفظ و دفاع از وی، تأمین هزینه و نفقه‌اش را بر عهده مرد نهاده است ... .اما برای آنکه مردان مغرور و متکبر نگردند و نپندارند که مدیر خانه بودن، سبب تقرب الی الله است، از زنان با اجلال و تکریم و به عظمت یاد کرده و در بیان مزایای زنان می‌فرماید :«زنان صالحِ حق گرا، پیوسته در طاعت الهی پیروی پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی و عقد همسری پایبندند ... .حافظ اسرار بودن زن به توفیق خدا و صیانت اوست: «بِما حَفَظَ الله». در این جمله «باء» برای سببیت و «ما» مصدریه است. یعنی زنان صالح به سبب برخورداری از توفیق الهی به این اوصاف آراسته‌اند (Javadi Amoli, 2009. P124).

زن و مرد در صورتی می‌توانند به وظایف خود عمل کنند که ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. در روایات و آیات متعدد به این نکته اشاره شده که زن و مرد برای همدیگر به مانند لباس هستند (بقره/ ۱۸۷) و از آن‌ها خواسته تا با ازدواج و تشکیل خانواده، موجبات سعادت خود و جنس دیگر را فراهم آورند. این در حالی است که با شیوع تفکر فمینیسم مشکلاتی از جمله بالابردن سن ازدواج، همسانی زنان با مردان، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ذاتی دو جنس، خلط وظایف این دو جنس، از بین رفتن حرمت و کرامت زنان و.. به وجود آمد. تفکرات فمینیستی حتی تا جایی پیش رفتند که به کانون خانواده حمله کردند. آن‌ها معتقد بودند که ازدواج و تشکیل خانواده باعث می‌شود که زنان در سیطره‌ی مردان قرار بگیرند. شولامیت فابرستون[1] در کتاب "دیالتیک جنس" تأکید کرد که ازدواج و خانواده نظام سلسله مراتب و سلطه مذکر را پرورش می‌دهد و نظام سلسله مراتب همان چیزی است که باید از بین برود و یک نظام دمکراتیک و غیر سلسله مراتبی جایگزین آن شود (1970.p 210)

در حالی که ازدواج و تشکیل خانواده از جمله عواملی است که موجب از بین رفتن این ایدوئولوژی غرب‌گرایانه، بقای نسل انسانی و بازگشت کرامت واقعی به هر دوجنس می‌شود. در تفکر اسلام، اصل بنیادین زوجیت، عامل وحدت دو جنس برای توسعه و تولید حیات برعرصه خاک است، به‌گونه‌ای که گردونه حیات مادی درهیچ یک بدون دیگری، امکان وقوع ندارد. بر همین اساس، بشر

[1] Fireston

Archive of SID

www.SID.ir

از نخستین روزهای حضور بر عرصه خاک به‌خوبی دریافته بود که زندگی در عرصه خاک مقرون با زوجیت است و خانه و خانواده بهترین مأمن و شایسته‌ترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان طرفینی به شمار می‌آید .در همین کانون است که طبق آیه ی قرآن به نیاز آرامش و همپوشانی[۱] دو جنس پاسخ داده می‌شود. در این‌باره شهید مطهری (1999, Vol 19.p 178-179)می‌گوید: «مرد بنده‌ی شهوت خویشتن است و زن در بند محبت مرد است، مرد می‌خواهد شخص زن را تصاحب کند و در اختیار بگیرد و زن می‌خواهد دل مرد را مسخر کند و از راه دل بر او مسلط شود، زن از مرد شجاعت و دلیری می‌خواهد و مرد از زن زیبایی و دلبری و....».

زندگی زن و مرد با هم درتناسب است و نمی‌توان آن‌ها را جدای از هم پنداشت. استاد مطهری در این زمینه می‌گوید: «بر همه‌ی جهان اصل تناسب حکمفرماست. جهان چون خط و خال و چشم و ابروست. اگر بنا بود در متن خلقت زن و مرد، سعادت جداگانه‌ای داشته باشند و از هم جدا زندگی کنند، نظیر زندگی قومی و قوم دیگر، قوم مردان و قوم زنان، شهر مردان و شهر زنان، کشور زنان و کشور مردان، حتی اگر بنا بود زندگی زن و مرد از یکدیگر منفک آفریده شود ... حقاً باید زن را متأخر از مرد فرض کرد، همان گونه که تصور متفکران غربی این گونه است. ولی طبیعت، این دو را به منزله یک واحد آفریده است . یعنی زندگی خانوادگی را در سرشت آنان قرار داده و زندگی آنان را بر اساس وحدت نهاده است. به وسیله عشق و محبت، آن چنان مرد را در تسخیر زن قرار داده که تمام نیروهای مرد در خدمت زن قرار می گیرد و در نتیجه مشترکاً از آن نیرو استفاده می‌کنند و در نتیجه، ابزار زندگی مرد، ابزار زندگی زن هم هست ... این دو واقعاً با هم ترکیب می‌شوند. نزدیک ترین اقسام اجتماعات بشری به ترکیب طبیعی، زندگی زناشویی است. سعادت هریک، عین سعادت دیگری است.... اختلاف این دو، ترکّب وحدت و پیدایش کل است. دو عنصر مساوی با هم ترکیب نمی‌شود .دو قطب همنام یکدیگر را طرد می‌کنند . پس هدف این اختلاف، انجذاب و ترکّب و وحدت است .زن و مرد مکمل وجود یکدیگرند (Note by professer Motahari, 2003.p 95-96)

پس وجود تفاوت‌های میان زنان و مردان برای زندگی اجتماعی آن‌ها امری ضروری است. زن ویژگی‌ها دارد که موجب شیفتگی مرد نسبت به او شده و برعکس مردان از ویژگی‌ها و توانایی‌هایی برخوردارند که زنان را به خود جذب می‌کنند. «خداوند در زن دو ویژگی نهاده است که به خاطر این دو ویژگی آفرینش او ممتاز و مشخص شده است، نخست: زن در تکوین نوع انسانی و رشدش به منزله‌ی کشت است، که نوع انسانی در بقایش به وی اعتماد دارد، بنابراین احکام مختص به این ویژگی مخصوص زن است. دوم: وجود زن مبتنی بر لطافت جسمی و ظرافت احساسی است و این ویژگی نیز در وظایف اجتماعی وی مؤثر است» (Tabatabaee, 2005.p 271).

---

[۱] وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم/۱۲)

www.SID.ir

مشکل دیگری که گسترش تفکر فمینیسم در جامعه ایجاد می‌کند، شکاف جنسیتی است. توجه به اصل عدالت در همه‌ی امور یکی از راهکارهایی است که شکاف جنسیتی موجود بین دو جنس زن و مرد را پر می‌کند. آیت الله جوادی آملی می‌گوید: «مفهوم عدل- یعنی هر چیزی را در جا ی خود قرار دادن. بسیار روشن است، اما حقیقت عدل در نهایت خفا و پوشیدگی است زیرا، کسی می‌تواند هرچیزی را در جای خود قرار دهد که جای اشیای جهان و منزلت اشخاص و جایگاه نژاد، اقوام، قبایل ،زنان، کودکان، مردان و ... را کاملاً بداند و کسی از چنین اطلاع کاملی برخوردار است، که آن ها را آفریده باشد و آن فقط خدای یکتا و یگانه است (2012, p41).

تمامی این موارد زمانی تحقق می‌یابد که حکومتی با ایدئولوژی اسلامی در جامعه حاکم باشد. حکومتی که برای مفهوم آزادی ارزش قائل شده و مانع از هرگونه آزادی بدون قید و شرط شود. به همین دلیل است که گفتمان جمهوری اسلامی راه رهایی زنان از وضعیتی را که به آن دچار شده‌اند «تفکر فمینیسم»، در انقلاب و فروریزی گفتمان مدرنیزاسیون ترسیم نموده است(Nikkhah ghamsari, 2005. p260). ایدوئولوژی حاکم بر کشورهای غربی «لیبرالیسم» نمی‌تواند پاسخ‌گو به مسئله‌ی عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی باشد. در حالی که گفتمان جمهوری اسلامی که بر دمکراسی فارغ از بی‌بند و باری تأکید می‌کند، می‌تواند به عنوان راهکاری برای رهیابی از الگوی لیبرالی کشورهای غربی قلمداد گردد.

شرایط زمینه‌ای

تحلیل داده‌ها حاصل از مطالعه‌ی متن نهج‌البلاغه نشان داد که جدای از راهبردهای ارائه شده، شرایطی وجود دارد که نقش تسهیل کننده را برای تحقق راهبردهای مذکور فراهم می‌آورد. این شرایط "زمینه‌ای" عبارتند از: «محوریت تفکر دینی، احترام گذاشتن به مرزها و حدود الهی»، « توجه به ارزش‌های اخلاقی» و «دوری از رذیلت‌های اخلاقی» تأثیرگذار بر راهبردها، که در شکل شماره (۱) آورده شده است. اشتراس و کربین(2011) می‌گویند :" زمینه، مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال و مسائلی را پدید آورند که اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آن‌ها پاسخ می‌دهند."

در سطح محوریت تفکر دینی می‌توان به مؤلفه‌هایی از جمله: نفی انحراف گرایی، نقد تفکر فمینیسم «اصالت دادن به زن یا زن‌سالاری»، نفی تفکر نژادپرستی، نفی تفکر خودبرتر بینی و نخبه‌گرایی اشاره کرد. قائلان تفکر فمینیسم به ویژه موج سومی‌ها به دنبال برقراری تشابه بین زنان و مردان می‌باشند. در حالی که زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. یکایک سلول‌های بدنش و همچنین دستگاه‌های عضوی و مخصوصاً سلسه عصبی و... نباید برای دختران

Archive of SID

www.SID.ir

جوان نیز همان طرز فکر و همان نوع زندگی و تشکیلات فکری و همان هدف و ایده‌آلی را که برای پسران جوان در نظر می‌گیرند، معمول داریم. متخصصین تعلیم و تربیت باید اختلافات عضوی و روانی جنس مرد و زن و وظایف طبیعی ایشان را در نظر داشته باشند.» (Carl, 1950. p 104). به همین دلیل امام علی (علیه‌السّلام) اصالت دادن به یک جنس را کاملاً نهی می‌کند. این سطح زمانی به معنای واقعی تحقق می‌یابد که آدمی در همه حال خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود ببیند و زندگی‌اش خدا محورانه باشد. مساله مهم اجتماع بشر امروز این است که بشر به تعبیر قرآن «خود» را فراموش کرده، هم خود را فراموش کرده و هم خدای خود را. (Motahari, 2012)

شرایط مداخله‌گر:

در مقابل شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای وجود دارند که در تحقق راهکارها نقش ترمز را ایفا می‌کنند. مهم‌ترین عاملی که مانع تحقق عدالت جنسیتی در جامعه می‌شود، خودکامگی است که طبق گفته‌ی امام علی (علیه السّلام) دارای ابعادی می‌باشد که در شکل شماره‌ی (۱) و جدول شماره (۳) به آن‌ها اشاره شد. توجه بیش از حد به دنیا و دل‌بستن به آن، در آیات و روایات زیادی مورد نکوهش قرار گرفته است. (مریم/۶۰-۵۹؛ نساء۲۷؛ عنکبوت/۲۹-۲۸؛ هود۸۳/-۷۷). شهوت و دنیا دوستی، موجب دلبستگی به دنیا می‌شود، همین عامل موجب می‌گردد که آدمی بنده‌ی نفس شود و عفت خود را بر باد دهد. انسانی که موازین اخلاقی و اعتقادی خود را زیر پا بگذارد، در دام گناه گرفتار می‌شود، همین عاملی برای شهوت‌رانی او می‌گردد و او را از نهاد خانواده دور می‌کند. خودکامگی عاملی است که موجب می‌شود انسان دچار غرور شده و خود را از دیگران و جنس مخالفش بالاتر ببیند. این دلایل باعث می‌شود عدالت جنسیتی در جامعه تحقق نیابد.

پیامدها

در نهایت هنگامی که عدالت جنسیتی در جامعه تحقق یابد و زنان و مردان متناسب با ویژگی‌های فطری متفاوت به انجام وظایف خود بپردازند، در جامعه پیامدهایی را از جمله: ارتقاءارزش‌های اخلاقی در مردان و زنان، حفظ دین و شخصیّت مردان توسط زنان، جلوگیری از فساد و خیانت به خانواده، رعایت حقوق زنان و رسیدن زنان به امنیّت به وجود خواهد آمد.

خیانت در لغت به معنای مکر و حیله، نا راستی، تمسک به حرامی و دغلی است (Dehkhoda, 1998.p 8941). خیانت در اصطلاح روان‌شناسی شامل برقرار کردن رابطه‌ی جنسی یک فرد متأهل عقد دائم، با جنس مخالف و خارج از محدوده‌ی خانواده است (Kaveh, 2004).هنگامی که عدالت جنسیتی به معنای واقعی کلمه بین دو جنس برقرار شود، خیانت به خانواده و تجاوز به عنف کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی است که ارزش‌های اخلاقی زن و مرد ارتقاء می‌یابد و دین و شخصیت‌شان حفظ می‌شود و زنان به امنیّت اجتماعی دست می‌یابند.

Archive of SID

www.SID.ir

مسئله‌ی توجه به جنسیت در برقراری امنیت نیز بسیار حائز اهمیت است، چرا که بحث از امنیت با در نظر داشتن ساختارهای متفاوت مردانگی و زنانگی پر مایه خواهد بود. تجارب زنان از خشونت و نیازهای امنیتی آنان به طرز معنا داری از نیازهای امنیتی مردان متفاوت است. جنسیت به عنوان یک بعد معنادار امنیت ملاحظه می‌شود و درها را برای دیدگاهی باز از امنیت می گشاید و نشان می‌دهد که چگونه هویت ، نیازهای امنیتی فردی و جمعی را شکل می‌دهد (Movahed & Hemmat, 2013,Quoted From Hoogensen, 2004, Ikeda, 2009)

وصول به ارزش ها و آرمان های والای جامعه و هرگونه فعالیت‌هایی که نیاز به بستری ایمن و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه و همه در گرو امنیت زنان آن جامعه است. به عبارت دیگر امنیت زنان، در زمره اهداف، منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است (Mostofi, 2013). رسیدن به امنیّت زمانی برای زنان معنا پیدا می‌کند که مفهوم عدالت جنسیتی در جامعه برقرار شود و هم آن‌ها و هم مردان به مسئولیت‌های خود به نحو احسن عمل کنند.

نتیجه‌گیری:

مباحث ارائه شده در مورد تفاوت‌های بیولوژیکی، زیستی و روان‌شناختی دو جنس، انجام مسئولیت‌های مرتبط هر دو جنس متناسب با تفاوت‌های وجودی آن‌ها، نحوه‌ی توسعه‌ی مهارت‌های مورد نیاز دو جنس برای زیستن در کنار یکدیگر، شرایط و راهبردهای شکل‌دهی به آن‌ها، نشان می‌دهد که همه‌ی این مؤلفه‌ها و عوامل حول محور ارتقاء عدالت جنسیتی شکل می‌گیرد. مطابق الگوی ارائه شده، براساس ایجاد روابط بین مقوله‌ها و یک‌پارچه سازی آن‌ها، عدالت جنسیتی تحت تأثیر انسانیت مشترک " هدفمندی آفرینش انسان"، تفاوت میان زنان و مردان و عدم برتری مردان نسبت به زنان است. عدالت جنسیتی به تأثیرپذیری از شرایط علّی، منجر به وظایف متقابل مردان و زنان در قبال یکدیگر، روان‌شناسی هر دو جنس، شناخت جایگاه زن در اسلام، رعایت فضایل اخلاقی، ازدواج و تشکیل خانواده، توجه به تفاوت‌های مردان و زنان در احراز شغل، توجه به اصل عدالت در همه‌ی امور و دمکراسی و حکومت مردم سالارانه می‌شود. علاوه بر این کنش‌ها در بستر شرایط زمینه‌ای؛ محوریت تفکر دینی، توجه به ارزش‌های اخلاقی و دوری از رذیلت‌های اخلاقی و نیز شرایط مداخله‌ای خودکامگی فطری شکل می‌گیرد. در نهایت در جریان چنین کنش‌ها و واکنش‌هایی، ارزش‌های اخلاقی دو جنس ارتقا یافته، فساد و خیانت کاهش می‌یابد و زنان به امنیّت می‌رسند. این مقوله‌ها و روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، الگوی "ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی" را روایت می‌کند.

علاوه بر به‌کارگیری راهبردهایی مانند؛ انجام مسئولیت‌های دو جنس در قبال یکدیگر، ازدواج و تشکیل خانواده، توجه به تفاوت‌های مردان و زنان در احراز شغل و ... مباحث مطرح شده در ادبیات

Archive of SID

www.SID.ir

تحقیق، حاکی از آن است که روابط بین عوامل، راهبردها، شرایط و پیامدها الگوی ارتقاء عدالت جنسیتی دارای اعتبار بوده و می‌توان از الگوی ارائه شده در راستای ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی بهره گرفت. با این وجود، باید توجه داشت که یافته‌های تحقیق حاضر، اطلاعاتی درباره‌ی مفهوم عدالت جنسیتی با توجه به مبانی دین اسلام ارائه می‌دهد. متناسب با این که اطلاعات، حاصل یک مطالعه کیفی در یک موقعیت ساختاری و فرهنگی معین است، الگویی مفید برای رسیدن به عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی می‌باشد که برای سایر جوامع با ایدئولوژی متفاوت، کاربردی نخواهدداشت.

دلالت‌های کاربردی:

به منظور ارتقاء عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی، می‌توان دلالت‌های کاربردی را در دو جنبه بررسی نمود.

۱- دلالت‌های کابردی در سطح اجتماعی و دولتی:

زنان متناسب با ویژگی‌هایی که دارند، از لحاظ عاطفی بسیار حساس می‌باشند، بهتر است برای آن‌ها در جوامع شغل‌هایی در نظر گرفته شود که با روحیه‌ی آن‌ها تناسب دارد. در این زمینه می‌توان با برنامه‌ریزی درست، بانوان را به سمت رشته‌های دانشگاهی سوق دهیم و بعدها برای آن‌ها مشاغلی را در نظر بگیریم که متناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی آنان باشد.

دولتمردان باید تدابیری را بیاندیشند، که شرایط ازدواج برای جوانان فراهم شود. تا زمانی که این دو جنس در چهارچوب خانواده در کنار همدیگر قرار نگیرند، به ندرت می‌توانند از آفت‌ها و آسیب‌هایی که در جامعه گریبان‌گیرشان می‌شود، در امان بمانند.

نهادهای موجود در جامعه، به خصوص نظام آموزش و پرورش باید الگوهای مناسب را به مردان و زنان جامعه معرفی کنند. زندگی حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) و حضرت علی (علیه السّلام) بهترین الگوی رفتاری برای زنان و مردان می‌باشد.

۲- کاربردهای در سطح خانواده:

زنان و مردان با رعایت موازین اخلاقی و دینی، می‌توانند موجبات رشد شخصیت و تعالی معنوی خود و دیگران را فراهم کنند. این مهم به دست نمی‌آید مگر با حفظ عفت، پوشش مناسب بانوان هنگام حضور در اجتماع، غیرت مردان نسبت به زنان و حفظ بنیان خانواده توسط آن‌ها.

زنان و مردان باید متناسب با تفاوت‌های ذاتی‌شان، نقش خود را به درستی ایفا کنند. اسلام مهم‌ترین نقش زن را، نقش مادری و همسری قرار داده و برای آن بسیار ارزش قائل شده است و از طرفی نقش مردان را حفاظت از بنیان خانواده، مدیریت آن و سرپرستی از زنان معرفی کرده است. هنگامی که دو جنس به کانون خانواده توجه نمایند، نه تنها به آرامش روحی دست می‌یابند، بلکه

Archive of SID

www.SID.ir

به نیازهایشان طبق اصول دینی پاسخ داده می‌شود و در نهایت آن‌ها به سلامت معنوی دست پیدا می‌کنند.

خانواده نیز باید بسترهای لازم ازدواج را برای جوانان ایجاد کند و از جوانان بخواهد تا با انتخاب همسری شایسته، موجبات سعادت مادی و معنوی خود را فراهم کنند.

References

- Abbaszadeh, S. (2015). A Comparative Study of Five Development Plans of the Country on Achieving Gender Equity, Emphasizing the Situation of Women's Higher Education in Iran Compared to the Global Situation. Women's Research Report of the Institute for Humanities and Cultural Studies. Sixth year, 1, 97-130. (Persian)
- Aghajani, N. (2009). The Challenge of Feminism with Gender Justice. Women's Strategic Studies. 2, 46, 7-48. (Persian)
- Alireza Nezhad, S,.& Saraei, H. (2007). The scope of the network of social relationships among urban women and the impact of university education and employment, Journal of Humanities, No. 53. (Persian)
- Arbstluser, Z. (1988). The emergence and collapse of liberalism in the west. (translated by: Abbas Mokhtban). First Edition , Tehran: Center publication .(Persian)
- Asadi Fard, R., Khayefollahi, A., & Rezaiean, A. (2011). The Model of Empowerment of Iranian Government Managers based on Imam Sahifeh's Role of Strategy Theory of Data Foundation. Public Administration. 3, 8, 75-92. (Persian)
- Astinpeshan, P. (2002). Review of the Processes of the Age of Marriage of Women and its Social and Demographic Factors during 1976-1996. Proceedings of the first conference of the Iranian Association of Demography. (Persian)
- Atashak, M. (2012). Evaluation of Gender Justice in Iranian Educational System. Women in Development and Politics (Women's Research). 10, 4 (39), 27-151. (Persian)
- Attarzadeh, M.(2009). Gender equity, the boundary between gender and politics. Women's Strategic Studies (Women's Books). 12, 46 (Gender Justice), 226-225. (Persian)
- Bashriyah, H. (2000). Political Sociology. Tehran: Publishing Ney. (Persian)
- Bazargan, A. (2008). An Introduction to Qualitative Research Methods and Combination of Common Approaches in Behavioral Sciences. Tehran: Didar. (Persian)
- Bisley, C.(2006). What is feminism. (translated by Mohammad Reza Zomorodi). First edition, Tehran: Roshangan Publishing and Women's Studies. (Persian)

Archive of SID

www.SID.ir

- Bostan, H. (2009). Islam and Gender Differences. Qom: Research Center, University and Ministry of Interior. (Persian)
- Carl, A. (1950). Unknown Man, Translation. (translated by Parviz Dabiri). Tehran: World of Books. (Persian)
- Dashti, M. (1999). Translation of Nahj al-Balaghah. Qom: The publication of the Mashreqin. (Persian)
- Dehkhoda, A. A. (1377). Dictionary. First Edition, Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. (Persian)
- Firestone, Shoulamit. (1970), The Dialectice of sex: The Case for feministe Revolation, NewYork, Bantham.
- Ghaemi, A. (1984). Family Life System in Islam. Tehran: Publishing Association of Educators and Educators. (Persian)
- Ghateanchi, E. (2002). Women's Season. (Collector Noushin Ahmadi Khorasani), Wave of Feminism, Tehran: Development. (Persian)
- Grow, B. (2000). Women from the perspective of men. (translated by Mohammad Ja'far Kuyandeh). Third edition, Tehran: Jami Publications. (Persian)
- Har Amali, M. i. H. (1997). Weshail al-Sha'iah. 14th, Beirut: Dar al-'Arthat al-Arabi. (Persian)
- Holy Quran. (2017). (Naser Makarem Shirazi) .Office of the Study of Islamic History and Education. Second Edition, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House. (Persian)
- Ibn Manzur, M. (1983). Assembly and Al-Burhan. Qom: Society of Teachers. (Persian)
- Iman, M. T, & Mohammadian, M. (2008). The Methodology of Stem Theory. Methodology of Humanities. 14, 56, 31–54. (Persian)
- Iman Zadeh, A.,& Salahshouri, A. (2011). A Review of Analytic and Analytical Approaches in the Philosophy of Education. Hamedan: Booali University Press. (Persian)
- Jarallahi, A. (1993). History of Women's Employment in Iran. Journal of Social Sciences.2,3.4,249-267. (Persian)
- Javadi Amoli, A. (1996). Woman in the mirror of Jalal and Jamal. Qom: Center for the publishing of asra. . (Persian)
- Javadi Amoli, A. (2009). Tennessee (Qur'anic commentary). first edition, Qom: publication of ısra. (Persian)
- Javadi Amoli, A. (2012). Mofatih al-Hayah. Fifty-Second Edition, Qom: publication of ısra. (Persian)
- Kashani ha, Z. (2011). Religious Principles of Gender Equity and Women's Employment, Women's Research Quarterly (Women's Studies Journal). The fifth year, 2,159-138. (Persian)
- Kaveh, S. (2004). Psychology of Belief and Betrayal. First Edition, Tehran: Andesh Arts. (Persian)
- Khani, F. (2009). Analytical framework for the study of gender inequality in the world. Journal of Women in Development and Policy. 8(14). 2-14. (Persian).
- Kruse, S., & Lillie, T. (2000). professional Community : facilitating Organizational Cultures in Support of Inclusion, Disability Studies Quarterly

Archive of SID

www.SID.ir

- Mackenzie, Y., Etal.(1993). An Introduction to Political Ideology. (Translated by Ghaed). Tehran: Intellectuals. (Persian)
- Madadi Chalcheh, M. (2009). Woman-Society-Gender Justice. Women's Strategic Studies. 12. 46. (Persian)
- Majlisi, M. B. (1982). Altogether, you are the leader. El-Biret: Al-Wafa Institute. (Persian)
- Mansbrideg, Jane (1995). Feminist in a Companion to contemporary political philosophy, Cambridge, Massachusetts, Robert Goodin, Blackwell.
- Mansournejad, M. (2002). The issue of women, Islam and feminism. Tehran: Barge Zeitoon. (Persian)
- Mirkhani E. (2013). Analysis of gender justice in emotional, moral and economic relations of family, woman in culture and art, Volume 5, Issue 1, pp. 103–124. (Persian)
- Miroysi Nik, S .(2015). Human Development and Gender Justice in Ammatyasen's Capability Approach. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities . 4, 47–72. (Persian)
- Moshirzadeh, H. (2003). From Movement to Social Theory of Two Centuries of Feminism. Tehran: Shiraz Publishing and Research. (Persian)
- Mostofi, A. (2013). A survey on the relationship between social identity and security feeling in women in Tehran. Journal of Women Police Studies. seventh year, 19, 55-77. (Persian)
- Motahari, M. (1990). Women's Rights in Islam.Fourteenth Edition, Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Motahari, M. (1998). collection. Volume. 1.Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Motahari, M. (1999). collection. . Volume 19. Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Motahari, M. (1999). Women's Rights System in Islam. Twenty-seventh Edition, Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Motahari, M. (2012). Rights of men and women from the point of view of Islam . Volume1 .(Basics). Tehran: Cultural Institute of Insight Motahhar. (Persian)
- Movahed, M., & Hemmat, S. (2013). Study of Cultural and Social Factors Related to the Social Security Sensation of Women. Journal of Women and Society. 4, 2, 52-55. (Persian)
- Nikkhah Ghamsari, N. (2005). The evolution of attitude towards women and its impact on the Islamic revolution. Tehran: First edition, publication of Imam Khomeini Research Center and Islamic Revolution. (Persian)
- Notes by Professor Motahari. (2003). Vol. 5, Second Edition, Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Philips, Anne.(1987). Feminism and Equality. Oxford, Basil Blackwell.

Archive of SID

www.SID.ir

- Rudgar, M. J. (2009). Gender justice in the Viewpoint of Allamah Tabatabai and Martyr Motahhari. Women's Strategic Studies. 12,46,49-80. (Persian)
- Saffronchi, L. S. (2005). turned feminism to economics. Quarterly of the Cultural -and Social Council of Women (Women's book), No. 30. (Persian)
- Shahid Razi, M. b.H. (2016). Nahj al-Balaghah. (translated by Mohammad Dashti). Tehran: Publishing weekly. (Persian)
- Shlity, W.(2005). Feminism in the United States until 2003. (translated by Ma'sumah Mohammadi and others). Qom: Office of Presenting References. (Persian)
- Strauss, A., & Carbin. (2011). Principles of qualitative research, techniques and phases of ground theory. (Translation by Ebrahim Afshar). Tehran: publishing NEy. (Persian)
- Tabatabai, M. H. (1999). Islamic blessings. (By Sayyid Hadi Khosrow Shahi), . First Edition, Qom: Boostan Book. (Persian)
- Tabatabaee, M. H. (2005). Interpretation of Al-Mizan. Volume 11, Twenty-First Edition, Qom: Islamic Printing Office. (Persian)
- ---------- .(1981). Nahj-al pasaheh. (Collected by Abolqasem Payandeh). Thirteenth Edition, Tehran: Javidan. (Persian)

Archive of SID

www.SID.ir